

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

سید هاشم سدید

۱۰ جون ۲۰۱۲

جامعه ریاء کار، جامعه سالمی نیست!

از دیر باز می خواستم در این مورد بنویسم که چرا برخی از وعاظ در موقع خاک سپاری اموات فراموش می کنند که حرفهائی که در مراسم خاص، خاصاً در سر حظیره و بعد از دفن میت به عنوان پند و اندرز و احکام الهی برای حضار بیان می دارند، تا کجا با اعمال خود شان مطابقت دارد.

روز جمعه در تشییع جنازه یکی از افغانان اشتراک نموده بودم. بعد از صحبت و دعای ملای مسجد، مکرافون را به یکی از حضاری که در آنجا و در صف پیشین و در پای قبر ایستاده بود، دادند.

حرف هائی که ایشان زدند، واقعاً زیبا و قابل تعمق و آموزنده بود، اما آنچه او گفت با توجه به زندگی وی و با توجه به ارتباطاتی که او با برخی از افراد دارد، چیزی نبود که با هم همخوانی داشته باشد.

تقریباً شش ماه قبل، زمانی که بنابر ضرورت، یکی از دوستان را به قونسلگری افغانستان در شهر بن برده در اتاق انتظار همراه با بیشتر از هشت نفر دیگری که قبل از ما آمده بودند منتظر نوبت بودم، همین آقای واعظ با یک گروپ سه نفری، به صفت واسط، وارد قونسلگری شده سه نفر همراهانش را به اتاق انتظار فرستاده خودش به یکی از دفاتر قونسلگری داخل و بعد از چند لحظه از آن دفتر خارج شده آن سه نفر را با خود به داخل آن دفتر برد.

بعد از تقریباً نیم ساعت، از آنجا همراه با مأمور قونسلگری که ایشان را به طرف در خروجی بدرقه می کرد، خارج و بعد از خدا حافظی خیلی گرم و دوستانه، قونسلگری را با خوشحالی ترک نمودند.

کار ما انجام پذیرفت، ولی دو نفر دیگر که یکی شان از "مانهایم" آمده بود و دیگری از "آخن" باید فردای آن روز دوباره می آمدند؛ چون وقت کار قونسلگری، بدون این که کار آن دو نفر انجام شده باشد، تمام شده بود!

شاخص های درستی و نادرستی و خوبی و بدی چیست؟ شاید گفته شود که این مسأله با این بی اهمیتی هم قابل یادآوری است و علتی برای صدور حکم به ناراستی یا بدی یا نادرستی انسان ها می شود؟! اگر چنین سوالی مطرح شود، می پرسیم که شاخص هائی که می شود با آن راست پنداری و راست گفتاری و راست کرداری محض انسان ها را تعیین کرد، چیست؟ آیا دست یابی به حقیقت یا حقایق کلی نتیجه دست یابی به حقایق جزئی نیست؟

انسانی که حق یک نفر را ضایع کرد، به یقین و بی شبهه حق صد و هزار نفر را هم ضایع خواهد کرد. حق را به بزرگی و کوچکی آن تفکیک نمی کنند، ذات حق مهم است.

شخص خردمند را هر عملی، چه بزرگ و چه کوچک، به فکر فرو می برد.

همنشینی کسی که (ظاهراً) از دزدی نفرت دارد با دزد، ولو چنین شخصی از مضرات دزدی داد بزند و دزدی را یکی از مناهای بخواند، انسان را در خصوص صداقت وی به آنچه می گوید، باید مشکوک بسازد. چنین انسان هائی در واقع به آنچه می گویند، باور ندارند. این افراد در واقعیت امر نابودگران پایه های صداقت اند.

تعجب آورتر از همه این که این واعظ باخدا و پیرو اخلاق و دین، در مراسم جنازه در کنار اشخاصی قدم برمی دارد که یکی از راه تقلب و کارهای غیررسمی و غیر "سفید" طی بیشتر از بیست و اندی سال امروز صاحب آرگاه و بارگاه شده است و دیگری زن طلاق ناشده ئی را که بزرگان افغان در شهر ما چندین سال قبل در خانه خدا به شکل امانت به دست وی، تا زمانی که دعوای این زن با شوهرش تمام شود، سپرده بودند، مردی که خود را دیندارترین انسان ها می داند، به نکاح خود در آورد.

من شخصاً از اسلام زیاد نمی دانم، ولی همینقدر از آنانی که از اسلام با خبر اند و خود را مسلمان راستین می دانند، شنیده ام که انسانی که پیروی از دین و خدا می کند، باید از چنین اعمال و چنین افرادی گریزان باشد.

چرا و تا کی باید این ریاء کاری ها را نادیده گرفت؟ ما می دانیم که جامعه ریاء کار جامعه سالمی نیست.

برماست که یک بار به خود و به اعمال خود دقیق شویم که تا کی باید در برابر این متظاهران دروغگو سکوت کرد! درست است که در زمان فاتحه و مراسم تدفین اموات برملاء ساختن دورویی ها مناسب و شایسته نیست، اما سکوت در مواقع دیگر به نظر من کار پسندیده نخواهد بود.

افشای این اشخاص برای نابود ساختن تظاهر و کوتاه کردن زبان متظاهر و اصلاح معایب جامعه، بی نهایت ضروری است.

بیانید که آغازگر تربیت نسلی باشیم که هم حقیقت را می داند و هم آن را پیروی و تبلیغ می کند. جامعه ما، به خصوص، به چنین نسلی احتیاج دارد.

از تظاهر و تظاهر کردن و از سکوت در برابر متظاهران و رعایت این رسم یا آن عرف به نام مصلحت به جائی نخواهیم رسید!

۲۰۱۲/۰۶/۰۹